

و اقتناع قوای سه‌گانه کشور بوده و مناسب است شرایطی فراهم شود تا همه مردم اینگونه تحولات را پشتیبانی کنند.

۲- هرچند از برخی اظهارات مسئولان دولت مبنی بر کافی بودن قوانین موجود برای اجرای طرح تحول اقتصادی مشخص شد که بسیاری از اقدامات، نیازمند ارائه لایحه از سوی دولت و بررسی و تصویب آن در مجلس است. دولت محترم نیز در حال نهایی کردن لایحه هدفمندسازی یارانه‌ها برای ارائه به مجلس است که در جای خود اقدامی مثبت و درخور تقدیر است، گرچه معتقدیم با توجه به فرارسیدن زمان تدوین و تصویب برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پنجم و نظر به دوره نسبتاً طولانی احکام اساسی این تحولات، بخش‌هایی از طرح تحول می‌تواند در قالب برنامه پنجم نیز گنجانده شود.

۳- بررسیها نشان داد که اجزای این طرح نیازمند تدریج زمانی بوده و هر یک از موارد آن باید در مدت زمان مناسبی به مرحله اجرا درآید.

۴- ابعاد موضوعات تحول اقتصادی دارای وزن یکسان نیست و برخی از آنها از جمله وظایف ذاتی دولت‌های پیشین و دولت نهم بوده که به تدریج از سالهای گذشته به مرحله اجرا درآمده و ضروری است متناسب با شرایط و تحولات جهانی، نوسازی ساختار سازمانی صورت پذیرد. طرح تحول در گمرکات، اصلاح نظام مالیات و اصلاح نظام توزیع کالا از این جمله‌اند.

۵- تاکنون دولت با کمیسیون ویژه مجلس تعامل نسبتاً فعال و مثبتی داشت و ضرورت دارد لویح مورد نیاز این طرح علاوه بر کمیسیون ویژه در سایر کمیسیونهای تخصصی مجلس شورای اسلامی مورد بررسی و اظهار نظر قرار گیرد.

۶- نظر به اهمیت اصلاح نظام یارانه‌ها در گستره کشور و تأثیر آن در آحاد جامعه، ضروری است کمیسیون ویژه از نظرهای کارشناسی برخی کارشناسان خبره خارج از سیستم دولت و مجلس نیز استفاده کند.

۷- تأکید می‌شود که قبل از تفاهم دولت و مجلس در جزئیات اجرایی، از اعلام شتابزده برخی ابعاد طرح و برخی آمار و ارقام و زمانهای اجرای طرح در رسانه‌ها، توسط مسئولان دولتی پرهیز شود.

۸- ضمن تأکید بر ایرادها و ضعفهای جدی طرح آمارگیری اخیر مرکز آمار ایران، ضروری است کارگروه دولت در ایجاد ارتباط نتایج آمار تهیه شده با سایر بانکهای آماری کشور به‌گونه‌ای عمل کند تا کمیسیون ویژه از قابل اتکابودن مبانی علمی و کارشناسی نحوه طبقه‌بندی دهکهای اقتصادی اطمینان حاصل کند.

۹- تاکنون ارزیابیهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از نتایج مدلهای طرح تحول اقتصادی دولت به کمیسیون ویژه ارائه نشده است. امیدوار است در جلسات آینده به این موارد پرداخته شود و انشاءالله در گزارشهای بعدی کمیسیون به اطلاع نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی نیز رسانیده شود.

۱۰- تاکنون فرصت بررسی ابعاد اصلاح نظام بانکی، اصلاح نظام پولی و ارزشگذاری پول ملی در برابر ارزهای خارجی و افزایش بهره‌وری مهیا نشده و موکول به جلسات آینده کمیسیون ویژه است. ■



داکترام راجان
اقتصاددان هندی الاصل و استاد دانشگاه شیکاگو

پرونده این ماه، طرح تحول اقتصادی | نگاه کارشناس

لازمه اجرای موفق حذف یارانه‌های سوخت

حمایت اجتماعی هدفمند

کشور مورد تحلیل، یارانه بودجه‌ای کل شامل ۲ تا ۲/۲ درصد از GDP در سال ۲۰۰۴ بوده است.

از سوی دیگر هزینه‌های یارانه‌ای خارج از بودجه‌ای نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند که به عنوان نمونه در کشور بولیوی، هزینه‌های تولید و توزیع بخش خصوصی بیش از ۱/۵ درصد GDP بوده است.

بر اساس نتایج این بررسی، در زمانی که کشورها مورد تحلیل قرار گرفته‌اند (مابین ماه اکتبر ۲۰۰۴ و سپتامبر سال ۲۰۰۵)، فراورده‌های سوختی یارانه‌ای مستلزم افزایش یک سوم تا دو سوم در قیمت برای رسیدن به قیمت‌های جهانی بوده‌اند.

حال پرسش این است که چه راهکار جایگزینی در قبال حذف یارانه سوخت برای حمایت از قشرهای مختلف و آسیب پذیر جامعه وجود دارد؟ پاسخ روشن است، یک برنامه حمایت اجتماعی که به صورت مناسبی طراحی شده باشد، مانند برنامه «آپورچونیداس» در مکزیک یا «بلسا فامیلیا» در برزیل، می‌تواند برای حمایت درآمدهای واقعی خانوارهای فقیر و کم درآمد جامعه مورد استفاده قرار گیرد.

چنین سیستمهایی به واسطه توجه مستقیم به هر اثر معکوس (نامناسب) ممکن در خانوارهای کم درآمد، ایجاد کارایی می‌کنند و در مواقعی که افزایش قیمت‌ها انجام می‌گیرد (برای نمونه، قیمت فراورده‌های نفتی افزایش می‌یابد)، انتقال مطلوب یارانه‌ها به خانوارهای کم درآمد می‌تواند به نسبت قیمت‌های واقعی که براساس شاخص تورم تعیین شده‌اند، انجام گیرد. به عبارت دیگر میزان کمکهای انتقالی نسبت به افزایش هزینه‌ها باید تعدیل شود. اگر چنین سیستمی وجود نداشته یا ناکار باشد، توانایی یک دولت برای حمایت از قشر فقیر جامعه در کوتاه مدت بسیار محدود می‌شود.

با وجود این، یک طرح اندیشمندانه برای حذف یارانه‌ها در کنار کاهش کمکها به قشر پردرآمد می‌تواند فشار ناشی از آثار نامطلوب برنامه‌ها به قشر فقیر را کاهش دهد، کما این که کشور غنا یارانه سوخت را در فوریه سال ۲۰۰۵ حذف کرد و سپس بخشی از پس اندازهای مالی دولت را برای حذف شهریه مدارس ابتدایی و راهنمایی و افزایش بودجه مراقبتهای بهداشتی اولیه در فقیرترین نواحی به کار گرفت و به گسترش سرمایه‌گذاریها در حمل و نقل شهری نیز کمک کرد.

دولت اردن نیز یارانه‌ها را به صورت تدریجی طی چهار سال حذف کرد و در عین حال به تقویت برنامه کمکهای اجتماعی پایه‌ای پرداخت و با اعمال معیارهای دلخواهی، شامل افزایش محدود در سقف حداقل دستمزدها، به محافظت از قشر فقیر جامعه پرداخت.

در همین حال سریلانکا هم در زمینه هدفمند کردن هر چه بهتر برنامه‌های تور ایمنی پایه‌ای کار می‌کند و این در حالی است که حرکت بولیوی و مالی در به کارگیری یک سیاست پرتکاپو و فعال برای حذف یارانه‌ها کند بوده است، زیرا آنها به صورت مؤثری بر هدفمند کردن کمکهای اجتماعی تمرکز کرده‌اند. ■

حذف یارانه‌های سوخت، در هر کشوری، باید با جایگزینی حمایت‌های اجتماعی به صورت مناسبی، هدفمند و همراه شود. برای حمایت از قشر فقیر جامعه و کسب حمایت سیاسی، برداشتن (حذف) یارانه‌های سوخت باید با حمایت‌های اجتماعی که به صورت مناسبی هدفمند شده‌اند، همراه شود و پس‌انداز بودجه‌ای (صرفه جویی) حاصل از کاهش یارانه‌های سوخت مستقیماً به اولویتهای بالاتر نظیر افزایش دسترسی و بهبود کیفیت آموزش و مراقبتهای بهداشتی، بهبود زیرساختهای فیزیکی یا کاهش مالیاتها تعلق یابد.

دولتها در کشورهای در حال توسعه معمولاً به کنترل قیمت فراورده‌های نفتی متوسل می‌شوند و این امر را حداقل برای حمایت از شهروندان کم‌درآمد انجام می‌دهند، اما این که یارانه‌ها چگونه مؤثر خواهند بود، سؤالی است که باید به آن پاسخ داده شود.

در همین زمینه نتایج مقاله جدیدی که صندوق بین المللی پول تهیه کرده و در آن به تحلیل فقر و آثار اجتماعی و چگونگی هدفمندسازی یارانه‌های انرژی در کشورهای بولیوی، غنا، اردن، مالی و سریلانکا پرداخته، نشان می‌دهد که روشهای مؤثر زیادی وجود دارند که دولتها می‌توانند از آن طریق از افراد فقیر جامعه در مقابل قیمت‌های بالای انرژی محافظت کنند.

توجه داشته باشیم که دولتها در کشورهای در حال توسعه به روشهای گوناگونی در بازارهای انرژی دخالت می‌کنند، برای مثال در کشورهای واردکننده نفت برخی از دولتها به کنترل مستقیم در مقدار، نحوه توزیع و قیمت انرژی می‌پردازند.

برخی دیگر از دولتها اجازه می‌دهند که بخش خصوصی به صورت آزاد، فراورده‌های نفتی را وارد و توزیع کنند، ولی برای این محصولات سقف قیمت تعیین می‌کنند و دولت زیان حاصل از این تعیین قیمت را برای بخش خصوصی جبران می‌کند.

در کشورهای صادرکننده نفت نیز دولتها اغلب قیمت‌های داخلی را پایین‌تر از سطح قیمت جهانی تنظیم و یک هزینه فرصت به عرضه‌کنندگان این فراورده‌ها تحمیل می‌کنند. قیمت‌های سوخت یارانه‌ای، به رغم به بار آوردن محبوبیت سیاسی، تبعات مهمی نیز در پی دارند. برای مثال یارانه‌ها ممکن است باعث افزایش مخارج مستقیم دولتی نسبت به استفاده از آن در بخش تولید و به تبع آن به کاهش درآمدهای حاصل از تولید داخلی برای دولتها منجر شوند، یا به نوعی سبب کسری بودجه ناپایدار شوند.

همچنین در سطح خانوارها، قیمت‌های پایین سوخت، ناکارایی را در مصرف سوخت و استفاده از آن تشویق می‌کند بنابراین این یارانه‌ها به عنوان وسیله‌ای برای محافظت از افراد فقیر جامعه در مقابل رشد فزاینده قیمت محصولات نفتی مقرون به صرفه نیستند، زیرا این یارانه‌ها به صورت اجتناب‌ناپذیری به سمت افراد پردرآمد جامعه سوق پیدا می‌کنند. برای اندازه‌گیری میزان این یارانه‌ها برای مصرف‌کنندگان، قیمت‌ها برای مصرف‌کننده واقعی با قیمت‌های مرجع مقایسه شده‌اند تا هزینه فرصت صحیح مصرف داخلی پیدا شود که در پنج